

خیلی از «ما» به این واقعیت خو گرفته ایم اما اینکه حقیقت را این گونه در صورت مان تُف کنند و «ما» باید مالیاتِ بلبل زبانیِ این ها را بپردازیم، اذیت مان می کند. مشکل همین است.

در فوتبال هم وضع بهتر از این نیست. جواد نکونام و یحیی گل محمدی همدیگر را «آدم های بیخودی» خطاب می کنند. شبیه همان خانم دکتر قلابی، علی خطیر، مدیرعامل استقلال، سرمربی اش را بهترین لژیونر تاریخ فوتبال ایران خطاب می کند. وضعیتِ داوری ها شبیه بنگاه های شرط بندیِ کشورهای شرق آسیا شده و از آن بدتر جدول لیگ حکایت از یکی از نامنظم ترین دوران لیگ برتر فوتبال ایران است. مهدی تاج، رئیس فدراسیون فوتبال ایران، اولین عضو پروژه خالص سازی دولت رئیسی بود. با همه تخلفات، بدونِ تاییده ی رسمی نهادهای ناظر و با وجود پرونده های سنگین مالی، با فشار دولتِ رئیسی و نهادهای همراه، رئیس فدراسیون فوتبال ایران شد. بازگشت به ملکِ شخصی. فدراسیون مالِ آقای تاج و دوستانش است.

من بقیه حوزه ها را نمی دانم اما در فوتبال ایران برخی نهادها وظیفه دارند شما را خائن کنند تا زمانِ مناسب بتوانند از شما استفاده کنند. کاری می کنند به شخصیتِ خودتان خیانت کنید. آن وقت دچار دل زدگی خواهید شد. بارِ سنگینِ وظیفه شان، به یک تهوعِ درونی تبدیل خواهد شد. عصبانی خواهند بود. آن وقت دیگر فوتبال را دوست ندارند، موفقیت را دوست ندارند، توسعه را دوست ندارند، عشقی به فوتبال نخواهند داشت و موقعِ موفقیت ها، احساس می کنند عقیم شده اند. خیانت در اعماق. وجودش شروع به کار